



جلسه: ۵۷  
تاریخ: ۱۴۰۳/۰۸/۰۸

درس: نظام اقتصادی اسلام  
موضوع: أدله عدم ضمان کاهش ارزش پول  
استاد: علی عندلیبی دام ظلّه

بسم الله الرحمن الرحيم

## أدله عدم ضمان کاهش ارزش پول

بحث در ادله عدم ضمان کاهش ارزش پول قرار دارد که در این زمینه به روایاتی اشاره گردید. دسته دوم از این روایات، روایت‌های مربوط به گرفتن دینار و درهم به جای یکدیگر است.

### د: روایت یوسف بن ایوب

روایت چهارم در ارتباط با تبدیل درهم و دینار به یکدیگر، روایت یوسف بن ایوب است که در آن آمده است:

و بِإِسْنَادِهِ [محمد بن الحسن] عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ يَحْيَى عَنْ أَبِي إِسْحَاقَ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ يُوسُفَ بْنِ أَيُّوبَ شَرِيكَ إِبْرَاهِيمَ بْنِ مَيْمُونٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: فِي الرَّجُلِ يَكُونُ لَهُ عَلَى رَجُلٍ دَرَاهِمٌ فَيُعْطِيهِ دَنَانِيرَ وَلَا يُصَارِفُهُ فَتَصِيرُ الدَّنَانِيرُ بِزِيَادَةٍ أَوْ نُقْصَانٍ قَالَ لَهُ سِعْرُ يَوْمٍ أَعْطَاهُ.<sup>۱</sup>

در این روایت در مورد کسی سؤال شده است که درهم بدهکار بوده و به جای آن دینار پرداخت می‌کند، اما در پرداخت خود معامله صرف انجام نمی‌دهد، بلکه دینار را به صورت علی الحساب پرداخت می‌کند تا در فرصت دیگر، محاسبه انجام دهند. اما دینارها دچار افزایش یا کاهش قیمت می‌شوند. به عنوان مثال در زمان پرداخت دینار، معادل ده درهم بوده است و در ادامه معادل دوازده یا هشت درهم می‌شود. امام علیه السلام در پاسخ فرموده اند: قیمت روزی که دینار را پرداخت کرده است، محاسبه می‌شود. بحث سندی این روایت در جلسه پیشین مطرح گردید.

استدلال به روایت - که در کلام مرحوم هاشمی شاهرودی مطرح شده - این چنین است که امام علیه السلام زمان اداء را معیار برای محاسبه ارزش دینار بیان فرموده اند، در حالی که ممکن است درهم‌ها یا دینارها دچار افزایش یا کاهش قیمت شده باشند. بنابراین در روایت سه مرحله مطرح شده است:

الف: زمان اشتغال ذمه که در مورد آن تعبیر «لَهُ عَلَى رَجُلٍ دَرَاهِمٌ» به کار رفته است.

ب: زمان پرداخت دینار که عبارت «فَيُعْطِيهِ دَنَانِيرَ وَلَا يُصَارِفُهُ» بیانگر این مرحله است.

ج: زمان محاسبه

در این روایت، زمان پرداخت معیار قرار گرفته است. در حالی که ممکن است قیمت درهم‌هایی که پرداخت شده، تا آن زمان با افزایش یا کاهش مواجه شده باشد که اطلاق آن عدم ضمان کاهش ارزش پول را نتیجه می‌دهد. به عنوان مثال اگر زمان اشتغال ذمه، ده درهم معادل یک دینار بوده باشد و با هر دو، امکان خریداری یک گوسفند وجود داشته باشد، در زمان پرداخت یک دینار، سه حالت برای درهم‌ها متصور است. صورت اول این است که کماکان در ازای هر کدام از آنها، یک گوسفند قرار می‌گیرد. صورت دوم این است که در ازای پنج درهم و یک دینار یک گوسفند قرار می‌گیرد و صورت چهارم نیز این چنین است که در ازای بیست درهم و یک دینار یک گوسفند قرار می‌گیرد. در همه این سه حالت، کلام امام علیه السلام این است که زمان اداء دینار معیار است که حالت سوم عدم ضمان کاهش ارزش پول را نتیجه می‌دهد.

### مناقشات

به نظر ما مناقشاتی بر استدلال به این روایت وارد است:



## الف: عدم مقام بیان نسبت به ضمان

اشکال اول این است که در این روایت به معامله بین درهم و دینار اشاره شده است و روایت در مقام بیان ضمان نیست؛ خصوصاً اینکه در ذیل روایت اشاره نشده است که قیمت درهم ها یا دینارها در زمان اداء دینار تغییر کرده است بلکه بعید نیست که ظهور روایت در این مطلب باشد که تغییر قیمت دینارها، بعد از پرداخت دینار بوده باشد؛ یعنی از روزی که شخص، بدهکار شده است تا زمان پرداخت دینار، تغییر قیمت در درهم و دینار صورت نگرفته است؛ چون اگر چنین اتفاقی رخ داده بود، سائل به آن اشاره می کرد؛ در حالی که سائل صرفاً اشاره کرده است که دینارها بعد از پرداخت دچار تغییر شده اند.

با توجه به اینکه سؤال سائل ظهور در تغییر قیمت دینارها بعد از اداء دارد، پاسخ هم ناظر به همین فرض خواهد بود و دیگر در مقام بیان فروض دیگر که درهم و دینار قبل از ادای دینار دچار تغییر قیمت شده باشند، نیست؛ لذا اطلاق نخواهد داشت.

## ب: عدم تغییر قیمت در بدهی

دومین اشکال این است که در این روایت به تغییر قیمت در درهم که بدهی بوده است، اشاره نشده است بلکه در دینارها تغییر ایجاد شده است و مرکز سؤال، در مورد آنها است. در نتیجه نمی توان استفاده کرد که کلام سائل از جهت تغییر قیمت درهم ها نیز مطلق بوده است و ترک استفصال صورت گرفته است. بلکه صرفاً در دینارها که به جای دین پرداخت شده است، تغییر ایجاد شده است. در مورد درهم ها اشاره نکرده است که به قیمت روز محاسبه شود. بنابراین استدلال به روایت برای عدم ضمان کاهش ارزش پول درهم صحیح نیست.

## ج: دلالت ذیل روایت بر ضمان کاهش ارزش پول

اشکال سوم این چنین است که از ذیل روایت، ضمان کاهش ارزش قیمت فهمیده می شود؛ چون فرض این است که بدهی بدهکار درهم بوده است و به جای آن بدون اینکه صرف صورت گیرد، دینار داده است؛ لذا با دادن دینار توسط بدهکار، ذمه طلبکار به دینار مشغول شده است. حاصل اقدام آنها این چنین شده است که یک طرف، درهم طلبکار بوده است و طرف دیگر طلبکار دینار شده است. در این شرایط امام علیه السلام درباره دینار بیان کرده اند که به قیمت زمان اعطاء محاسبه شود. در صورتی که دینارها دچار کاهش ارزش شده باشند، همان ارزش زمان اعطاء که بالا بوده است، محاسبه می شود که به معنای ضمان نسبت به ارزش دینار است؛ لذا به عنوان مثال اگر در زمان اعطاء، ده درهم در مقابل یک دینار باشد و در زمان محاسبه، دینار کاهش قیمت پیدا کرده و در مقابل پنج درهم قرار گیرد، همان زمان اعطاء محاسبه می شود که این محاسبه به معنای ضمان کاهش ارزش پول است.

به نظر ما پاسخ از اشکال سوم این است که اگر تعبیر «فَصَيِّرُ الدَّانِيْرُ بِرِيَادَةِ أَوْ نُقْصَانٍ» به معنای کاهش ارزش پول باشد، مطلب ذکر شده صحیح است و دلالت بر ضمان کاهش ارزش پول می کند. اما ممکن است این تعبیر به معنای کاهش ارزش دینار نباشد بلکه حاکی از گران شدن یا ارزان شدن دینار باشد؛ یعنی دینار همانند یک کالا در نظر گرفته شده باشد که در اثر عواملی همچون فراوانی و یا ندرت، قیمت آن تغییر داشته باشد. بحث حاضر در کاهش ارزش پول است و گران شدن یا ارزان شدن کالاها ارتباطی به بحث حاضر ندارد.<sup>۱</sup>

برای روشن شدن مطلب ذکر شده می توان به این مثال اشاره کرد که اگر خانه ای در سال گذشته یک میلیارد تومان و در حال حاضر دو میلیارد تومان ارزش داشته باشد، ممکن است این تغییر قیمت، به جهت کاهش ارزش پول نباشد، بلکه ناشی از گران شدن خانه باشد. تشخیص این مطلب به این صورت است که اگر سال گذشته، قیمت آن خانه، یک میلیارد تومان و پنجاه هزار دلار بوده باشد و در حال حاضر تبدیل به دو میلیارد تومان و صد هزار دلار شده باشد. این موارد محل بحث نیست؛ چون همان طور که روشن است، ارزش تومان کاهش پیدا نکرده است

۱. نشانه گران شدن کالا این است که با رواج یافتن آن مجدداً کاهش قیمت پیدا می کند. علاوه بر اینکه در موارد گران شدن یک کالای خاص، کالاهای غیر آن همراه با تغییر قیمت نیستند، در حالی که در موارد کاهش ارزش پول، قیمت همه ی کالاها با افزایش قیمت مواجه می شود.



جلسه: ۵۷  
تاریخ: ۱۴۰۳/۰۸/۰۸

درس: نظام اقتصادی اسلام  
موضوع: أدله عدم ضمان کاهش ارزش پول  
استاد: علی عندلیبی دام ظلّه

بلکه خانه گران شده است؛ لذا قیمت دلاری آن نیز افزایش داشته است. محل بحث مواردی است که سال گذشته خانه ای، یک میلیارد و پنجاه هزار دلار قیمت داشته باشد و در حال حاضر کماکان قیمت آن پنجاه هزار دلار باشد، ولی دو میلیارد تومان ارزش داشته باشد که این افزایش در مبلغ تومان، حاکی از کاهش ارزش در تومان است. بعید نیست که تعبیر «فَتَصِيرُ الدَّانِيَةُ بِزِيَادَةٍ أَوْ نَقْصَانٍ» به این معنا باشد که درهم و دینار که معامله می شده اند، در اثر عواملی همچون کمیاب شدن، دچار تغییر شده باشند، ولی به لحاظ کالاهای دیگر تغییر در قیمت ایجاد نشده است. این شبهه در روایات پیشین هم قابل طرح است، اما در این روایت قوی تر است. بنابراین روایت یوسف بن ایوب بر هیچ یک از ضمان یا عدم ضمان کاهش ارزش پول دلالت نمی کند.

### د: عدم اطلاق نسبت به پرداخت درهم به جای درهم

اشکال چهارم بر روایت یوسف بن ایوب این است که صرفاً به معامله درهم و دینار اشاره کرده است و نسبت به فرضی که بدهکار بخواهد به جای درهم، درهم پرداخت کند، اطلاق ندارد.

### ه: عدم دلالت نسبت به ضامن نبودن غیر بدهکار

اشکال پنجم این چنین است که روایت یوسف بن ایوب نهایتاً دلالت می کند که بدهکار ضامن کاهش ارزش پول نیست. اما دلالت نمی کند که مطلقاً ضامن ثابت نباشد؛ چون ممکن است که به عنوان مثال دولت و حکومت که موجب کاهش ارزش قیمت شده است، ضامن باشد.

### و: اختصاص روایت به پول های دارای مالیت ذاتی

اشکال ششم این است که روایت یوسف بن ایوب اختصاص به درهم و دینار دارد که از مالیت ذاتی برخوردار هستند و شامل پول های اعتباری نمی شود.

### ز: عدم دلالت نسبت به کاهش فاحش

اشکال هفتم این است که روایت یوسف بن ایوب صرفاً بر عدم ضمان کاهش ارزش پول به صورت غیر فاحش دلالت دارد و کاهش ارزش پول به صورت فاحش را دلالت نمی کند.

بنابراین این روایت نیز اکثر اشکالات وارد بر روایات پیشین را دارد؛ علاوه بر اینکه اشکالات اختصاصی نسبت به آن وارد است. حاصل اشکالات ذکر شده این است که روایت یوسف بن ایوب دلالت بر ضمان یا عدم ضمان کاهش ارزش پول نمی کند.

### ه: روایت عبدالملک بن عتبه هاشمی

روایت پنجم در ارتباط با تبدیل درهم و دینار به یکدیگر، روایت عبدالملک بن عتبه هاشمی است که در آن آمده است:

مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ عِدَّةٍ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عَيْسَى عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ عَبْدِ الْمَلِكِ بْنِ عُبَيْةِ الْهَاشِمِيِّ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ مُوسَى عَ عَنْ رَجُلٍ يَكُونُ عِنْدَهُ دَنَانِيرٌ لِبَعْضِ خُلَطَائِهِ فَيَأْخُذُ مَكَانَهَا وَرِقاً فِي حَوَائِجِهِ وَ هُوَ يَوْمَ قَبِضَتْ سَبْعَةٌ وَ سَبْعَةٌ وَ نِصْفٌ بِدِينَارٍ ٢ وَ قَدْ يَطْلُبُ صَاحِبُ الْمَالِ بَعْضَ الْوَرِقِ وَ لَيْسَتْ بِحَاصِرَةٍ فَيَبْتِئُهَا لَهُ

۱. این تعبیر عام است و مواردی همچون بدهکاری یا امانت را شامل می شود.

۲. یک احتمال در مورد این تعبیر این است که هر دینار به مقدار چهارده و نیم درهم باشد، در حالی که این احتمال صحیح نیست و به نظر می رسد تعبیر «سَبْعَةٌ وَ سَبْعَةٌ وَ نِصْفٌ» برای بیان قیمت حدودی باشد کما اینکه در فارسی نیز تعبیر «ده دوازده تومان» یا «پنج شش تومان» به کار برده می شود. در نتیجه مقصود این است که هفت یا هفت و نیم درهم در مقابل یک دینار بوده است. شاهد بر این مطلب، روایت ابراهیم بن عبدالحمید است که در آن آمده است: «(وَ يَأْتِيهِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ سَمَاعَةَ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ سَمَاعَةَ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ عَبْدِ الْحَمِيدِ عَنْ عَبْدِ صَالِحِ ع قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الرَّجُلِ الْيَكُونُ لَهُ عِنْدَ الرَّجُلِ الدَّنَانِيرُ أَوْ خَلِيطٌ لَهُ يَأْخُذُ مَكَانَهَا وَرِقاً فِي حَوَائِجِهِ وَ هِيَ يَوْمَ قَبِضَتَهَا سَبْعَةٌ وَ سَبْعَةٌ وَ نِصْفٌ بِدِينَارٍ وَ قَدْ يَطْلُبُهَا الصَّيْرَفِيُّ وَ لَيْسَ



جلسه: ۵۷  
تاریخ: ۱۴۰۳/۰۸/۰۸

درس: نظام اقتصادی اسلام  
موضوع: أدله عدم ضمان کاهش ارزش پول  
استاد: علی عندلیبی دام ظلّه

الصَّيْرُفِيُّ بِهَذَا السَّعْرِ وَ نَحْوِهِ ثُمَّ يَتَغَيَّرُ السَّعْرُ قَبْلَ أَنْ يَحْتَسِبَا حَتَّى صَارَتْ الْوَرِقُ اثْنِي عَشَرَ بِدِينَارٍ هَلْ يَصْلُحُ ذَلِكَ لَهُ وَ  
إِنَّمَا هِيَ بِالسَّعْرِ الْأَوَّلِ جِئْنَ قَبْضَ كَانَتْ سَبْعَةً وَ سَبْعَةً وَ نِصْفٌ بِدِينَارٍ قَالَ إِذَا دُفِعَ إِلَيْهِ الْوَرِقُ بِقَدْرِ الدَّنَانِيرِ فَلَا يَصْرُهُ كَيْفَ  
كَانَ الصَّرُوفُ فَلَا بَأْسَ.<sup>۱</sup>

این روایت به لحاظ سندی با اشکال مواجه است؛ چون علی بن حکم و عبدالملک بن عتبه هاشمی محل کلام هستند. درباره علی بن حکم بحث مفصلی وجود دارد که در بحث های پیشین مطرح شده است. شهید صدر هم در کتاب بحوث فقهی خود در بحث طهارت، به صورت مفصل در مورد علی بن حکم به بحث پرداخته اند. ایشان چهار عنوان مطرح کرده و سعی کرده اند که چهار عنوان را به دو عنوان برگردانند. اما به نظر ما ارجاعات و استدالات ایشان محل تأمل است. البته در هیچ یک از نقل های موجود در روایات، علی بن حکم با قید انباری، کوفی و... نیامده است بلکه در همه موارد مطلق است؛ لذا برخی این مطلب را قرینه بر این دانسته اند که چهار عنوان مربوط به یک شخص است. برخی دیگر مدعی شده اند که علی بن حکم به صورت مطلق، به فرد معروف و صاحب کتاب ثقة بوده، منصرف است. اما به نظر ما این ادعا محل تأمل است؛ چون ممکن است در اسنادی که علی بن حکم به صورت مطلق به کار رفته است، تعلیق صورت گرفته باشد. عبدالملک بن عتبه هاشمی نیز توثیق خاص ندارد. البته دو راوی با نام عبدالملک بن عتبه وجود دارد که یکی از آنها هاشمی و دیگری غیر هاشمی است. اگرچه عبدالملک بن عتبه هاشمی که در روایت محل بحث وجود دارد، توثیق خاص ندارد، اما در مورد ایشان وجوه عامی برای توثیق وجود دارد که برخی از آنها قابل پذیرش است.

۱- عبدالملک بن عتبه هاشمی جزو قسم مرتب از رجال شیخ طوسی در اصحاب امام صادق علیه السلام است.

توضیح مطلب این است که شیخ مفید در ارشاد خود بیان کرده اند که چهار هزار نفر از اصحاب امام صادق علیه السلام ثقة هستند. البته اگر فقط همین کلام در نظر گرفته شود، تمامی موارد شبهه مصداقیه خواهد بود، اما مطلب مهم این است که ابن شهر آشوب در مناقب و در اصحاب امام صادق علیه السلام بیان کرده است که چهار هزار نفر از اصحاب امام صادق علیه السلام ثقات هستند و ابن عقده در رجال خود به آنها اشاره کرده و توثیق کرده است.

از طرف دیگر شیخ طوسی بیان کرده است که در زمان تألیف رجال خود، کتاب رجالی مستوفی غیر از کتاب ابن عقده وجود نداشته است و لذا ایشان در رجال خود، در اصحاب امام صادق علیه السلام، ابتدا به نام کسانی اشاره کرده است که ابن عقده ذکر کرده است و پس از پایان یافتن آن اسامی، به نام کسانی که خودشان دست یافته اند، اشاره می کند. بنابراین روش شیخ طوسی در بیان اصحاب امام صادق علیه السلام این چنین شده است که ابتدا به نام تعدادی از راویان بر اساس حروف الفبا اشاره کرده که این اسامی را از رجال ابن عقده گرفته است و در پایان هر یک از حروف الفباء، مجدداً به اسامی دیگری اشاره کرده است که متفرقات هستند. بنابراین راویانی که در اصحاب امام صادق علیه السلام و در بخش اول به صورت مرتب ذکر شده اند، از رجال ابن عقده استخراج شده اند

الْوَرِقُ حَاضِرًا فَيَتَنَاوَعُهَا لَهُ الصَّيْرُفِيُّ بِهَذَا السَّعْرِ سَبْعَةً وَ سَبْعَةً وَ نِصْفٌ ثُمَّ يَجِيءُ يَحَاسِبُهُ وَ قَدْ اِزْتَفَعَ سَعْرَ الدَّنَانِيرِ فَصَارَ بِأَثْنِي عَشَرَ كُلُّ دِينَارٍ هَلْ يَصْلُحُ ذَلِكَ لَهُ وَ إِنَّمَا هِيَ لَهُ بِالسَّعْرِ الْأَوَّلِ يَوْمَ قَبْضِ مَنَةِ الدَّرَاهِمِ فَلَا يَصْرُهُ كَيْفَ كَانَ السَّعْرُ قَالَ يَحْسِبُهَا بِالسَّعْرِ الْأَوَّلِ فَلَا بَأْسَ بِهِ. وسائل الشیعة ۱۸: ۱۸۴. در صدر این روایت بیان شده است که هر دینار به مقدار هفت یا هفت و نیم درهم ارزش داشته است و سپس قیمت دینارها افزایش یافته و تبدیل به دوازده درهم در مقابل یک دینار می شود. این در حالی است که اگر مقصود از «سَبْعَةً وَ سَبْعَةً وَ نِصْفٌ»، چهارده و نیم درهم بود، باید با افزایش قیمت دینار، به بیشتر از چهارده و نیم درهم اشاره می شد، در حالی که به دوازده درهم اشاره شده است. در نتیجه، مقصود این است که حدود هفت و نیم درهم بوده است و بعد از افزایش قیمت، به دوازده درهم می رسد.

لازم به ذکر است که دینار نوعاً معادله درهم است و اگر افزایش قیمت پیدا کند، یک دینار مقابل دوازده یا سیزده درهم قرار می گیرد و اگر کاهش ارزش پیدا کند، هفت یا هشت درهم می شود.

البته در نسخه تهذیب، تعبیر «سَبْعَةً وَ نِصْفٌ بِدِينَارٍ» اشاره شده است که به نظر می رسد کما اینکه در روایت ابراهیم بن عبدالحمید اشاره شده و همچنین در خود کافی نیز به صورت «سَبْعَةً وَ سَبْعَةً وَ نِصْفٌ» ذکر شده است، نقل صاحب وسائل صحیح است و در نسخه تهذیب، سقط رخ داده است.

۱. وسائل الشیعة ۱۸: ۱۸۳.



جلسه: ۵۷  
تاریخ: ۱۴۰۳/۰۸/۰۸

درس: نظام اقتصادی اسلام  
موضوع: أدله عدم ضمان کاهش ارزش پول  
استاد: علی عندلیبی دام ظلّه

که همگی ثقة بوده اند. البته این نکته صرفاً در مورد اصحاب امام صادق علیه السلام است. عبدالملک بن عتبه هاشمی از افرادی است که در قسم مرتب از اصحاب امام صادق علیه السلام ذکر شده است که کاشف از توثیق ابن عقده است. به نظر ما این وجه صحیح است.

۲- ابن داود در رجال خود نقل کرده است که شیخ طوسی عبدالملک عتبه هاشمی را توثیق کرده است. البته در رجال شیخ طوسی این توثیق وجود ندارد.

لازم به ذکر است که ابن داود خط شیخ طوسی در رجال را در اختیار داشته است و در موارد متعددی بیان کرده است که به خط شیخ این چنین است؛ لذا ممکن است که در نسخه ای که در اختیار ابن داود بوده است، تعبیر «ثقة» وجود داشته است. در صورتی که نقل ابن داود مورد اعتماد قرار گیرد، توثیق عبدالملک بن عتبه قابل اثبات است و الا نسخه های دیگر مشتمل بر توثیق نیست.

۳- بنی فضال از عبدالملک بن عتبه روایت نقل کرده اند.

۴- عبدالملک بن عتبه در ابتدای سند فقیهه واقع شده است.

۵- روایت ذکر شده، در کافی واقع شده است که طبق یک تقریب، راویان کافی ثقة هستند و یا اینکه حداقل روایات کافی صحیح هستند.

در روایت عبدالملک بن عتبه در مورد شخصی سؤال شده است که در نزد دیگری، تعدادی دینار داشته است، اما خود آن دینارها را نمی گیرد، بلکه به جای آنها درهم دریافت می کند که هر دینار حدود هفت یا هفت و نیم درهم ارزش داشته است، اما در ادامه قیمت دینارها دچار تغییر شده و هر دینار معادل دوازده درهم می شود. سؤال از این مطلب بوده است که دینارها باید به همان حدود هفت درهم محاسبه شود و یا اینکه دوازده درهم معیار برای هر دینار خواهد بود؟ امام علیه السلام در پاسخ فرموده اند: روزی که درهم به مقدار دینار داده است، معیار است و هر چه شود، دیگر ضرری به او نمی زند. بنابراین همین که درهم ها را داده است، حتی اگر محاسبه نکرده باشد، کافی است. تقریب استدلال به این روایت، همانند روایت پیشین است که سه مرحله وجود دارد: الف: زمان اشتغال ذمه ب: زمان اعطاء ج: زمان محاسبه. امام علیه السلام روز اعطاء را معیار قرار داده اند؛ در حالی که ممکن است کاهش ارزش قیمت رخ داده باشد که به معنای عدم ضمان کاهش ارزش پول است.

با توجه به اینکه تقریب استدلال به این روایت همانند روایت پیشین است، مناقشات وارد بر آن نیز همان مناقشاتی است که بر روایت پیشین مطرح شد؛ حتی شبهه ای که در مورد دلالت روایت پیشین بر ضمان مطرح شد، در این روایت نیز قابل طرح است.

## و: روایت اسحاق بن عمار

روایت ششم در ارتباط با تبدیل درهم و دینار به یکدیگر، روایت اسحاق بن عمار است.

وَبِإِسْنَادِهِ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ فَضَالَةَ عَنْ أَبِي بَانَ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي إِبْرَاهِيمَ عَ الرَّجُلُ يَكُونُ لَهُ عَلَى الرَّجُلِ الدَّنَانِيرُ فَيَأْخُذُ مِنْهُ دَرَاهِمَ ثُمَّ يَتَغَيَّرُ السُّعْرُ قَالَ فَهِيَ لَهُ عَلَى السُّعْرِ الَّذِي أَخَذَهَا يَوْمَئِذٍ وَإِنْ أَخَذَ دَنَانِيرًا وَلَيْسَ لَهُ دَرَاهِمٌ عِنْدَهُ فَدَنَانِيرُهُ عَلَيْهِ يَأْخُذُهَا بِرُءُوسِهَا مَتَى شَاءَ<sup>۱</sup>

۱. وسائل الشیعة ۱۸: ۱۸۴.



جلسه: ۵۷  
تاریخ: ۱۴۰۳/۰۸/۰۸

درس: نظام اقتصادی اسلام  
موضوع: أدله عدم ضمان کاهش ارزش پول  
استاد: علی عندلیبی دام ظلّه

به این روایت نیز برای عدم ضمان کاهش ارزش پول استدلال شده است؛ چون در ذیل آن بیان شده است که اگر شخصی دینار طلبکار است و دینار دریافت می کند، باید همان رأس المال خود را بگیرد؛ اعم از اینکه دینار دچار کاهش یا افزایش قیمت شده باشد که این مطلب به معنای عدم ضمان کاهش ارزش پول است.

این روایت به لحاظ دلالتی بهتر از روایات پیشین است؛ چون روایات پیشین در مورد درهم و دینار است، اما ذیل این روایت به گرفتن دینار در مقابل دینار اشاره کرده است. اما در عین حال اشکالاتی به این روایت نیز وارد است:

۱- نهایتاً دلالت بر ضمان نبودن بدهکار می کند و لذا دلالت ندارد که حکومت یا اشخاص دیگر ضمان نباشند.

۲- مربوط به درهم و دینار است که از ارزش ذاتی برخوردار هستند و شامل پولهای اعتباری نمی شود.

۳- صرفاً کاهش ارزش به مقدار غیرفاحش را شامل می شود و دلالتی بر عدم ضمان در کاهش فاحش ندارد.

تاکنون نتیجه بحث این چنین است که بنای عقلاء و روایت های مطرح شده، دلالت بر عدم ضمان کاهش ارزش پول ندارند.